

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر نئوکروپنی (Alexander Neukropny) - کییف، اوکراین
برگردان: ا. م. شیرینی
۲۶ فبروری ۲۰۲۵

فقط زمین سوخته



ترمپ با خطر تبدیل شدن به یک «پادشاه برهنه» مواجه است

در مورد وجود یا عدم وجود فلزات خاکی کمیاب در اوکراین، من مطمئن نیستم. اما از این کاملاً مطمئنم که دولت امریکا، به ویژه دولت دونالد ترامپ هر قدر هم احمق باشد، هر قدر هم دیوانه باشد، این را درک می‌کند که اگر چه چین به لحاظ اقتصادی بسیار بزرگ است، اما مؤلف و مبتکر دنیای چندقطبی فدراسیون روسیه است. با این درک است که دولت امریکا حتی اگر اطمینان قطعی داشته باشد که در اوکراین هیچ گونه عناصر خاکی کمیاب وجود ندارد، اما آن را برای حضور در اوکراین مستعمره به منظور ایجاد اختلال در روند تکوین و استقرار دنیای چندقطبی دست‌آویز قرار خواهد داد. با این حال، بگذار جمهوری‌ها به جدائی از اتحاد جماهیر شوروی و همچنین، تمام کشورهای اروپایی شرقی که عموماً به عضویت ناتو در آمدند، به «استقلال» خود افتخار کنند! - شیرینی

همه، شاید، افسانه کهن آندرسن را به خاطر دارند که چگونه یک پادشاه احمق توسط چند کلاهبردار باهوش فریب خورد. کلاهبرداران خود را خیاط معرفی کردند و پول زیادی از او برای دوخت جامه «ویژه» اخاذی کردند. بعداً معلوم شد نه آن‌ها خیاط بودند و نه به فکر لباس دوختن بودند. پس‌ری این فریبکاری را فاش کرد و در برابر مردم فریاد زد: «پادشاه برهنه است»!

افشاگری بلومبرگ

دقیقاً همین وضعیت امروز با «ذخایر عظیم فلزات خاکی کمیاب اوکراین» که به هدف دونالد ترامپ رئیس جمهور فعلی آمریکا تبدیل شده است، در حال روی دادن است. ظاهراً هیچ «ثروت افسانه‌ی» در اعماق اوکراین پنهان نیست! و هرگز نبوده است. در این مورد، نقش افشاگر این دروغ هیولائی را نه یک پسر بچه، بلکه **خاویر بلاس**، یک مرد بسیار محترم، مفسر بلومبرگ که مسائل انرژی و مواد خام را پوشش می‌دهد، بازی کرد. او یکی از نویسندگان کتاب «جهان برای فروش: پول، قدرت و سوداگرانی که منابع زمین را مبادله می‌کنند» است. در یک کلام، نظر او احتمالاً ارزش شنیدن را دارد.

این آقا در مقاله خود، تحت عنوان: «فلزات خاکی کمیاب اوکراین؟ نه، فقط زمین سوخته؟»، مندرج در وب سایت آژانس تأکید می‌کند: «وسواس فکری رئیس جمهور ترامپ در استخراج عناصر از یک کشور جنگ‌زده یک توهم است». این کار چگونه ممکن است؟ تا همین اواخر، شور و شوق در باره عدم تمایل «رئیس‌جمهور» تاریخ مصرف گذشته کیف به امضای قرارداد بردگی پیشنهادی واشنگتن برای واگذاری مالکیت منابع طبیعی کشور «مستقل» به آمریکا و این واقعیت که بیشتر این منابع در سرزمین‌های خارج از کنترل کیف قرار دارند، بالا گرفته بود. اما ناگهان معلوم شد که اصلاً منابعی وجود ندارد. شکستن نیزه‌ها دلیلی نداشت.

تصور کنید - دقیقاً همینطور. خاویر بلاس اعتماد برخی از مردم آمریکا (از جمله، رئیس کاخ سفید) در مورد وجود ذخایر غنی معدنی در اوکراین را «احمقانه» می‌خواند. به گفته او، واقعاً چیزی در اعماق زمین اوکراین وجود دارد، اما نه فلزات خاکی کمیاب، بلکه عمدتاً سنگ آهن و زغال سنگ است، که اساساً در مناطق تحت کنترل ارتش روسیه وجود دارد! علاوه بر این، «چند معدن کوچک اسکاندیم» نیز موجود است اما، ذخایر آن‌ها به صدها میلیارد دلار نمی‌رسد تا چه رسد به تریلیون‌ها دلار که ترامپ ادعا می‌کند.

«زمین شناسی در منطقه جنگی»

بلاس با کمک ارقام و واقعیت‌ها، رؤیاهای او را بی‌رحمانه به هم می‌زند. او می‌گوید:

ارزش کل تولید جهانی فلزات کمیاب در بهترین حالت، ۱۵ میلیارد دلار در سال است. این رقم، معادل هزینه تنها دو روز تولید جهانی نفت است. حتی اگر اوکراین ذخایر عظیمی داشت، از نظر ژئواکونومیک دارای ارزش چندانی نمی‌توانست باشد. به فرض که اوکراین می‌تواند به طرز معجزه‌آسا ۲۰ درصد از فلزات خاکی کمیاب جهان را تولید کند. این مبلغ تقریباً به سه میلیارد دلار در سال می‌رسد. برای تأدیة ۵۰۰ میلیارد دلار که ترامپ از آن صحبت می‌کند، آمریکا باید بیش از ۱۵۰ سال استخراج اوکراین را تضمین کند. مزخرف محض!

نویسنده همچنین اشاره می‌کند که امریکائی‌ها پیش از این و در گذشته نه چندان دور بر روی این نوع «چنگ» پا گذاشتند. «زمین‌شناسی در یک منطقه جنگی» اصلاً نقطه قوت آن‌ها نیست. در سال ۲۰۱۰، امریکائی‌ها با هیاهوی بلند اعلام کردند که در افغانستان یک تریلیون دلار ذخایر معدنی دست‌نخورده، از جمله، لیتیوم مورد نیاز باتری‌های خودروهای برقی کشف کرده‌اند. بلاس یادآوری می‌کند: پنتاگون تا آنجا پیش رفت که افغانستان را «عربستان سعودی لیتیوم» خطاب کرد.

متأدیان مالیاتی مجبور بودند به نحوی تهاجم آمریکا به این کشور را که ۲۰ سال به طول انجامید و هزینه هنگفتی به همراه داشت، توجیه کنند. با این حال، لیتیوم و همچنین مس، که استخراج آن سودآور است، در افغانستان وجود نداشت.

اشغالگران خارجی بدون این که بتوانند منابع قابل توجهی از کشور استخراج کنند، مبالغ هنگفتی برای مبارزات انتخاباتی افغانستان سرمایه‌گذاری کردند و بالاخره، مجبور به عقب‌نشینی سریع از آن کشور شدند.

بلاس به عنوان یک متخصص در موضوعی که قضاوت آن را بدون ابهام بر عهده می‌گیرد، با استفاده از مثال میدان نوپولتاوسکویه، ماهیت مسأله را به تفصیل بررسی می‌کند که در زمان اتحاد جماهیر شوروی (در سال ۱۹۷۰) کشف شد و در تمام کتاب‌های مرجع به عنوان «منبع بالقوه فلزات خاکی کمیاب» ذکر شده است. از این مواد در واقع، نه تنها در مقادیر کمی موجود است، بلکه استخراج آن‌ها بسیار دشوار است. دقیقاً به دلیل این که تولید صنعتی در معدن نوپولتاوسکایا عملاً غیرممکن است، تا به امروز به عنوان یک «معدن غیرمولد» باقی مانده، نه یک معدن.

طرف اوکراینی، در پیشنهادات خود به امریکا، استخراج ذخایر نوپولتاوسکویه را صرفاً «نسبتاً دشوار» توصیف کرد و اظهار داشت که هرگونه استخراج فلزات خاکی کمیاب «نامتعادل» خواهد بود. به تفاوت توجه کنید. از این گذشته، در واقعیت‌های بازار، داشتن چیزی در دل زمین کافی نیست – بلکه استخراج آن «چیز» نیز باید سودآور باشد و نه همراه با زیان و مشکلات مداوم.

دروغ از کجا آمد؟

با این حال، جالب‌ترین نکته تحقیق نویسنده این است که موضوع «ثروت‌های هنگفت اوکراین» از کجا آمده است. او در منابع مرجع سازمان زمین‌شناسی امریکا که (حداقل در غرب) مرجع اصلی و غیرقابل انکار در چنین موضوعاتی به شمار می‌رود، چیزی در این مورد پیدا نکرد. به گفته وی، هر پایگاه داده دیگری که معمولاً در تجارت معدن استفاده می‌شود، نشان‌دهنده ذخایر قابل توجه فلزات خاکی کمیاب در کشور «مستقل» نیست.

پس این از کجا آمده است؟ آقای بلاس اعتراف می‌کند که جست و جوی منبع اصلی تقریباً او را به یک فروپاشی عصبی رهنمون شده است:

هر سندی که به آن اشاره شد، همان ادعاهای تئوری توطئه را تداعی می‌کند که می‌توان در فضای مجازی یافت. بر اساس آن‌ها، انباشت برخی مواد خاکی کمیاب با یک معدن تجاری اشتباه گرفته می‌شود...

در نهایت، او به این نتیجه رسید که «سر و صدا پیرامون فلزات خاکی کمیاب اوکراین» را خود اوکراینی‌ها به دلیل ناامیدی از چشم‌انداز کمک‌های امریکا در نوامبر ۲۰۲۴، در جریان اعلام «طرح نجات» زلنسکی به دولت بایدن شامل بند «عناصر خاکی کمیاب» به راه انداختند، که یک خیال‌پردازی محض بود. و سپس، با ورود ترمپ به کاخ سفید، آن‌ها همچنان به مسیر خود ادامه دادند و براحتی دروغ گفتند.

با این حال، این کارشناس خستگی‌ناپذیر، منبع دیگر دروغ‌های مربوط به ثروت اوکراین را پیدا کرد که رئیس جمهور جدید را بسیار تحت تأثیر قرار داد. به نظر وی، جزوهای که در دسامبر ۲۰۲۴ منتشر شد (چه اتفاق عجیبی) که در آن سیاه روی سفید نوشته شده بود، نقش بزرگی در جعل بزرگ داشت: اوکراین به یک تأمین‌کننده بالقوه کلیدی فلزات خاکی کمیاب مانند تیتانیوم، لیتیوم، بریلیم، منگنز، گالیم، اورانیوم تبدیل می‌شود...

این سند توسط مرکز عالی امنیت انرژی ناتو تهیه شده است. پس، این معتبر است!

طبعاً، اگر نمی‌دانستید که این مؤسسه در لیتوانی مستقر است، پس بدانید! و آن در واقع یک مؤسسه «مستقل» است، نه بخشی از ساختارهای واقعی اتحاد آتلانتیک شمالی. بله، این مؤسسه و همکارانش با ناتو مرتبط هستند، نام و نشان آن را دارند، اما به هیچ وجه یک نهاد رسمی ناتو نیستند. در این معادله ساده، تنها نکته ناشناخته میزان پولی است که کیف به

«تحلیل‌گران» این مؤسسه برای کارشان پرداخته و سپس آن را به عنوان «اثبات انکارناپذیر» صحت ادعاهای مؤسسه به دست دونالد ترامپ رساندند.

به گفتهٔ بلاس، هر متخصص در زمینهٔ منابع طبیعی باید از لیستی که در جزوه ارائه شده، نگران می‌شد. زیرا، هرکسی که حتی حداقل درکی از کیمیا داشته باشد، می‌داند که هیچ یک از مواد معدنی مذکور در لیست، عناصر خاکی کمیاب نیستند! و با این حال... خاویر بلاس در پایان مقالهٔ خود به این نتیجه می‌رسد که «یک سیاست جهانی مبتنی بر گزارش فاقد واقعیات اساسی و فقط منعکس‌کنندهٔ نظر شخصی نویسنده»، می‌تواند دولت دونالد ترامپ را به ناخوشایندترین و شرم‌آورترین عواقب سوق دهد. امروز، آن که در راه دستیابی به «الدورادوی اوکراینی» با تمام قواء مبارزه می‌کند، حتی در صورت پیروزی نیز چیزی به دست نخواهد آورد.

[تکنولوژی جنگ](#)

۵ اسفند- حوت ۱۴۰۳